

بررسی رخدادهای ادبی و فرهنگی سال ۹۷

پیشتازی شفيعی کدکنی، موحد، کاتوزیان و کوثری

• مریم جلیلی

را درباره جریان‌های تاریخی نظیر نهضت ملی ایران، مشروطیت و به طور کلی وقایع دوره معاصر شرح داده است. دکتر همایون کاتوزیان در فصلی از کتاب «فرهنگ تاریخ سیاست» می‌گوید:

«هر جامعه‌ای مولود شرایط مادی و معنوی خود است. یعنی علت‌العلل ویژگی‌های جامعه هر چه بوده باشد، خود آن ویژگی‌ها در حفظ و ادامه خود نقش اساسی خواهند داشت. یعنی مثلاً علت اولیه پدید آمدن ویژگی استبداد و کلتی بودن یک جامعه هر چه باشد، فرهنگی که بر آن استوار است هم علت و هم معلول وجود و ادامه آن ویژگی‌ها خواهد بود.»

در هر جامعه‌ای اشکال گوناگون خردگرایی، عاطفه‌گرایی، واقع‌گرایی و جز آن وجود دارد اما نسبت این‌ها به یکدیگر در جوامع گوناگون متفاوت است. شعر، عرفان، افسانه و اسطوره در جامعه ایران خیلی بیشتر از نظریات منطقی، اندیشه‌های خردگرایانه و الگوهای تجربی و ابطال‌پذیر نفوذ و رواج داشته و دارد.

هیچ کدام از این‌ها چیز بدی نیست و ارزش و اهمیت خود را دارد و از جمله می‌توان گفت که شعر فارسی، بزرگترین دستاورد فرهنگی تاریخ ایران است. بی‌جهت نیست که اخوان ثالث در شعر آخر شاهنامه گفت: زندگی مان شعر و افسانه! اما نکته مهم دقیقاً در همین جاست که وقتی کل زندگی چنان زیر نفوذ شعر و افسانه قرار گرفت که جای زیادی برای عقل و استدلال و مشاهده علمی باقی نگذاشت، دید انتقادی از دست خواهد رفت و بعضی از راه‌های پیشرفت برای جامعه مسدود خواهد شد.

من به تجربه دیده‌ام که خیلی اوقات وقتی مسأله‌ای مطرح می‌شود و دو نوع توضیح و تحلیل درباره آن ارائه می‌شود، آن شرحی که افسانه‌ای یا احساساتی یا اسرارآمیز است از توضیحی که بر پایه عقل و منطق و تجربه قرار دارد موثرتر است و این فقط ویژه عوام نیست، بلکه درباره درس‌خوانندگان و نخبگان نیز صادق است.»

حافظ و جام جهان‌نما

جدیدترین اثر «دکتر شیرین بیانی» با عنوان «حافظ و جام جهان‌نما»، زمستان امسال انتشار یافت. این کتاب شامل مقالاتی درباره افکار حافظ و سرگذشت اوست که به همراه یازده مقاله دیگر توسط انتشارات جامی چاپ شده است. در این اثر مقالات به سه بخش تقسیم شده است: ۱- زندگی‌نامه حافظ ۲- دوره تاریخی و عصری که حافظ در آن زندگی کرد ۳- عرفان حافظ.

دکتر شیرین بیانی در کتابش مفاهیم پیر معان و دیر معان که در غزل‌های حافظ ذکر شده را تجزیه و تحلیل کرده و می‌نویسد: «حافظ در غزلیاتی که از دیر معان گفتگو می‌دارد که با بیبری دیرنشین مباحثه و گفتگو می‌داشته ما را به یاد مولانا جلال‌الدین می‌اندازد که به دیر کشیشان رفت و آمد داشته و اوقات زیادی را به بحث و گفتگو با آنان می‌گذرانید. بخصوص با کشیشی که او را سرور راهبان دیر افلاطون نامیده‌اند و این بحث‌ها درباره فلسفه نوافلاطونی بوده که مولانا گرایش خاصی نسبت به این فلسفه داشته است. اگر مولانا به دیر کشیش افلاطونی می‌رفته حافظ نیز به دیر مغ زردستی می‌رفته است.»

• ادامه در صفحه ۵

کدکنی در زمینه تصحیح انتقادی متن کارهای فراوانی انجام داده است. تصحیح اسرارالتوحید، مصیبت‌نامه، الهی نامه، منطق‌الطیر، اسرارنامه، مقامات و حالات ابوسعید، نوشته بر دریا، مرموزات اسدی در مرموزات داوودی، از جمله نمونه‌های تصحیح انتقادی متن در ادبیات فارسی است. کتاب «این کیمیای هستی» که با همت ولی‌الله درودیان تنظیم شده است مشتمل بر ۸ مقاله، یادداشت‌ها، ترجمه شعرهای عربی حافظ توسط دکتر شفيعی کدکنی و نمایه ابیات حافظ است. عناوین مقالات کتاب عبارتند از:

- ۱- «حافظ و بیدل» در محیط ادبی ماوراءالنهر در قرن نوزدهم // ۲- «این کیمیای هستی» عامل موسیقایی در تکامل جهان‌شناسی شعر حافظ // ۳- «خرقه و خرقة سوزی» // ۴- «بشوی اوراق اگر همدرس مایی» // ۵- درباره شهید بودن حافظ // ۶- «یک اصطلاح موسیقایی در شعر حافظ» // ۷- «طنز حافظ» // ۸- «در ترجمه ناپذیری شعر».

شفيعی کدکنی از نویسندگان پرکار است که آثار متعددی به قلمش منتشر شده است. آثار این نویسنده عبارت است از: صور خیال در شعر فارسی، موسیقی شعر، در اقلیم روشنائی، با چراغ و آینه، حالات و مقامات م. امید، قلندریه در تاریخ، ادوار شعر فارسی از مشروطه تا سقوط سلطنت و... همچنین چندین دفتر شعر هم از سروده‌های شفيعی کدکنی که در دهه‌های ۴۰، ۵۰ و ۶۰ منتشر شده، تجدید چاپ شده است.



فرهنگ، تاریخ، سیاست

کتاب «فرهنگ تاریخ سیاست» مجموعه مقالات «دکتر همایون کاتوزیان» از جمله آثاری بود که امسال تجدید چاپ شد. این کتاب شامل مقالات و گفتگوهای دکتر همایون کاتوزیان است که توسط شرکت سهامی انتشار به چاپ رسیده است. مطالبی که در این اثر گردآوری شده، خوانندگان را با افکار یکی از اندیشمندان پرتلاش که در زمینه‌های ادبی و جامعه‌شناسی تاریخی کار کرده آشنا می‌کند.

نویسنده در این اثر به چهره‌هایی نظیر صادق هدایت، جلال آل‌احمد، محمد علی فروغی و سیدحسن تقی‌زاده پرداخته است. تحلیلی جامع از شعر و زندگی سعدی عرضه کرده و دیدگاه‌هایش

قصه‌خوانی برای کودکان و نوجوانان، جشن‌های رونمایی کتاب، گزارش‌های مربوط به آثاری که در زمینه‌های ادبی و فرهنگی منتشر و تجدید چاپ شده، حاکی از آن است که امسال علی‌رغم وجود مشکلات متعددی که مؤلفان، مترجمان، کتابفروشان و ناشران با آن دست و پنجه نرم کردند؛ کارهای خوبی انجام شده است. آنچه مشاهده می‌کنیم، نمایانگر کارهایی است که با تلاش و همکاری افرادی دلسوز رقم خورده است. به طوری که همگی دست به دست هم داده‌اند تا امید در جامعه زنده نگه داشته شود. با مرور اخبار و وقایع مشاهده می‌کنیم که فعالیت‌های پرثمری انجام شده و اقداماتی به عمل آمده تا چرخ فرهنگ بهتر بچرخد. این نوع فعالیت‌ها در برابر شرایط سخت امروز مجموعاً قابل تقدیر است.

تصحیح مثنوی مولوی

امسال مراسم رونمایی از «تصحیح مثنوی مولوی» که با همت «دکتر محمد علی موحد» و توسط انتشارات هرمس چاپ شد، برگزار گردید. این کتاب در زمان کوتاهی که به بازار کتاب آمد، با استقبال علاقه‌مندان، بخصوص مولوی‌شناسان روبرو شد و بسیاری از محققان آن را معتبرترین تصحیح از مثنوی تا به امروز دانستند.

لازم به ذکر است، کار تصحیح بر پایه ۱۱ نسخه، بقیه نسخه‌ها در ۳۰ سال بعد از فوت مولانا نگارش یافته است. کار بزرگ دکتر محمدعلی موحد در تصحیح انتقادی مثنوی معنوی، با مقدمه مفصلی که نوشته تکمیل شده که در آن، ضمن نقد تصحیحات قبلی، روش کارش را توضیح داده است. دکتر موحد درباره این تصحیح می‌گوید:

«دو نوع نگرش به مثنوی معنوی وجود دارد. برخی مانند مولانا به آن نگاه می‌کردند برای مثنوی معنوی قداست قائل بودند؛ به خاطر همین تصرفی در کتاب نداشتند. کاتبان نسخه‌های مثنوی معنوی که این نگرش را داشتند با دقت و وسواس شعرها را می‌نوشتند که این موضوع نشانگر این است که برای مثنوی قداست قائل بودند و دستکاری در آن را جایز نمی‌دانستند. نگرش دیگر، نگرش لیبرال است. در نسخه‌ای که ۲۳ سال بعد از فوت مولانا نوشته شده است دخل و تصرف‌هایی وجود دارد. در این کتاب‌ها کاتب بعد از نگارش، شعر را برای مولانا خوانده است.»

بنابراین در نسخه‌ای که ۲۳ سال بعد از مولانا نوشته شده است، دخل و تصرف‌هایی را می‌بینیم که بیشتر به منظور ارادت، علاقه‌مندی و بهتر کردن متن صورت گرفته است و حکایت از نگرش لیبرال‌تری دارد. تعصب‌هایی که در نسخه‌های قبل وجود دارد در این نسخه وجود ندارد.» دکتر محمدعلی موحد، آثاری نظیر سفرنامه ابن بطوطه، فصوص‌الحکم و... را هم به فارسی ترجمه کرده است.

این کیمیای هستی

دوره سه جلدی «این کیمیای هستی» جدیدترین اثر «دکتر محمدرضا شفيعی کدکنی» توسط انتشارات سخن در اوایل سال منتشر شد. جمال‌شناسی و جهان‌شعری، درس‌گفتارهای دانشگاه تهران و یادداشت‌ها و نکته‌ها موضوعات این سه جلد را تشکیل می‌دهد. دکتر شفيعی



دوستانی بهتر از آب روان
خاطرات من و سهراب



دکتر حبیب‌الله مصانعی ۳۳

و بدین‌روی مادر را به شایسته‌ترین نحوی که به آن معتقد است، ستایش می‌کند و یا «دوستانی بهتر از آب روان» که برای بیان نیکی دوستان خود، آنان را همچون آب می‌انگارد. چون در چشم سهراب، آب مظهر پاک و طراوت و نیکوکاری است. به روزگاران خردسالی و نوجوانی که در باغی بزرگ و پردرخت به سر می‌برد با گیاه و گل و درخت بیش از همه، همدم و مونس بود و آثار این انس و همدمی تا پایان عمر در روان او محسوس است.

پریذخت خواهر ارجمند سهراب می‌نویسد: «سهراب عاشق روزهای آفتابی بود. ماه اسفند، خصوصاً اسفند کاشان را به عنوان آغاز رویش جوانه‌های خیلی دوست داشت. او پیش از همه، پیدا شدن جوانه‌های گندم و شبدر و درخت بید و همچنین دمیدن شکوفه‌های هلو، گوجه و گلابی را بشارت می‌داد یک روز صبح بسیار زود که نزدیک درخت گل‌های محمدی رفته بود، ادعا کرد غنچه‌ها موقع شکفتن صدای مخصوصی دارند که او می‌شنود!»

خیلی‌ها، سهراب را هنرمندی در مکتب رمانتیسیم می‌شمارند و می‌گویند رمانتیک‌ها، عاشقان طبیعت، حساس، خیال‌باف و اهل گریز و سفرند و سهراب نیز چنین بود.

در نقاشی‌هایش کمتر نشانی از آدمی دیده می‌شود و بیشتر طرح‌ها از طبیعت مایه گرفته است. در مقاله «معلم نقاشی ما» می‌نویسد:

«کارش نگار نقشه‌ه‌ی قالی بود و در آن دستی نازک داشت. نق‌بینش دلگشا بود و رنگ را رنگارنگ می‌ریخت. آدم در نقشه‌اش نبود و بهتر که نبود. در پیچ و تاب عرفانی اسلیمی آدم چکاره بود. حضورش الفت عناصر را می‌شکست. در «گام» رنگی قالی «نت» خارج بود. بی‌آدم، آدمیت قالی افزون بود. در هنر، حضور نادیدنی آدم خوش‌تر.»

در شعر «صدای پای آب» وقتی لحظات گذشتن از دوران کودکی و رسیدن به نوجوانی را شرح می‌دهد، می‌نویسد:

«طفل، پاورچین پاورچین، دور شد کم‌کم در کوچه سنجاقک‌ها.

بار خود را بستم، رفتم از شهر خیالات سبک بیرون. دلم از غربت سنجاقک پر»

سنجاقک حشره زیبایی است که مانند هلیکوپتر بر سطح جویبارها می‌پرد و طعمه خود را شکار می‌کند. آنان که مانند ساکنان تهران، در ساختمان‌ها و آپارتمان‌ها به سر می‌برند، سنجاقک را ندیده‌اند و نمی‌شناسند، اما سهراب و من که کودکی‌مان در باغی با جوی آب بود، سنجاقک را خوب می‌شناختیم و دقایقی بسیار خیره بر پروازش بودیم.

سهراب با گذشت دوران کودکی و آغاز زندگی، در خانه و آپارتمان به یاد سنجاقک می‌افتد و می‌گوید: «دلم از غربت سنجاقک پر» و این خود نشانه‌ای از طبیعت‌گرایی اوست. او ترجیح می‌داد به‌جای رفتن در میان اجتماعات، به دامان طبیعت روی آورد و به دیدار درخت و گل و گیاه رود. او آنچنان عاشق طبیعت بود که دلش نمی‌خواست چیزی از نقش طبیعت کاسته شود. می‌گوید:

و نخواهم مگس از سر انگشت طبیعت ببرد.
و نخواهم پلنگ از در خلقت برود بیرون.
و بدانیم اگر کرم نبود، زندگی چیزی کم داشت.
و اگر خنج نبود، لطمه می‌خورد به قانون درخت.
و اگر مرگ نبود، دست ما در پی چیزی می‌گشت.
و بدانیم که پیش از مرجان، خلایلی بود در اندیشه دریاها...

ادامه دارد